

مکتب سی مرغ «بخش هشت» فصل چهار از

اومانيسم رهايي و آدميت ايراني

مهدی مطهرنیا

در بخش هفتم و فصل سه از "اومانيسم رهايي و آدميت ايراني" به مفاهيم "مکان مندی، زمان مندی، و زبان مندی اومانيسم رهايي و آدميت ايراني" پروا داشتم. مفهوم مکان مندی را بازشکافتم و اکنون زمان آن فرا رسیده است که به «زمان مندی» موضوع عنایت داشته باشم.

"آینده ایران و ایران آینده" برای من و همه ما مهم است. "ایران به معنای همه ی ایرانیان" معناپذیر و دارای منزلت قابل تعریف است. اسطوره آرش کمانگیر در شاهنامه حکیم ابوالقاسم فردوسی بسیار پرمعنا است. آرش تیر در کمان می گذارد تا مرزهای ایران و توران را مشخص کند. او به بالای بلندترین قله کوه می رود. تیر از نیام برون می کشد. در میان کمان قرار می دهد. تیر در کمان و با زه در میان کشیده می شود. آرش جان خود در آن تیر می گذارد و آن را به دورترین نقطه ی ممکن پرتاب می کند.

"هر ایرانی" تیری است که "هر ایرانی دیگر"؛ جان خود در آن می گذارد. هر ایرانی آن ایرانی را در دورترین مکان های جغرافیایی مرز ایران از توران می داند.

از این رو مرزهای ایران را نه در خاک و سرزمین موجود ایران که در موجودیت تک تک ایرانیان در سراسر جهان می دانم. جدای از طوایف یا دودمان ها فرقه ها و مذاهب علایق و سلیقه ها رتبه ها و درجه ها و ... هر جا که یک ایرانی وجود داشته باشد ایران و جغرافیای ایران در وجود او تجلی دارد. از این رو است که می گویم: «ایران یعنی همه ی ایرانیان».

وجه مکان مندی در تناسب بیرونی متوجه ایجاد تعادل برونی با زیستگاه آدمی از منظر طبیعی و رابطه او با اشیاء پیرامونی وی در آن مکان است. اما، وجه زمان مندی به هویت او، جایگاه و موقعیت او و همچنین ظرفیت های او برای ایجاد تناسب متعادل با دیگر آدمیانی

است که در این محیط در بازه های گوناگونی از زمانه زندگی می کند و تجربه زیسته شده

خود را از مکان در بستر زمان به دیگران در ساحت زندگی اجتماعی گسترش می بخشد.

"سبک زندگی مثبت اندیش معطوف به گسترش اومانیسیم رهایی و آدمیت ایرانی" نیازمند توجه به "زمان مند بودن" در کنار "مکان مندی" معنادارتر است. این نیز به نوبه ی خود با "زمان مندی" ارتباط پیدا می کند.

- زمان مندی برای تناسب

من زمان و زمانه را در پهلوپدیدگی هم تعریف کرده ام. نخستی "آن" است و دومی "چسبندگی آنات" به هم و در نظر دیگری که بیش تر بر آن پای می فشارم بسیط شدن یک آن در مکان معین و در برخورد با اشیاء و چگالی های متفاوت و متمایز از هم هستند که "زمانه" را برمی سازند. به هر روی زمان Instant و زمانه Time است.

در رساله زمان به "مکعب ذهن و زمان" اشاره کرده ام. در این کتاب آمده است: «بر اساس این تلقی از زمان، ذهن واجد شش عملکرد در ارتباط با زمان است که من نام آنرا «مکعب ذهن و زمان» گذاشته ام:

۱ توجه به زمان در زمانه

۲ ژرف نگری به زمانه در زمان

۳ فرآفرینش ذهنی یا ترسیم تصویر، تخیل و توهم سازنده «خلاقیت بر سازنده» در زمان برای زمانه

۴ پرتاب خطر پذیرانه به جلو یا همان فرزمان در زمانه

۵ انتظار پذیری برای ورود پیاپی به زمان در زمانه

۶ امید به رفتن به زمان های پیوسته در زمانه .»

شش ضلع این مکعب است که به ترتیب، به زمان حال گذشته و آینده، معنا می بخشد. من در آینده اندیشی بر مبنای همین معانی سه ساحت:

۱ آینده پژوهی

۲ مطالعات آینده ها

۳ ترسیم آینده ها

را از یکدیگر تعریف پذیر کرده ام و به شش پارادایم و باورواره در این زمینه تکیه دارم:

۱ آینده بینی مبتنی بر معرفت شناسایی اثبات گرایی

۲ آینده نگری مبتنی بر هرمنوتیک و کونیست (ساختار انقلاب های علمی کون)

۳ آینده نگاری مبتنی بر واقع گرایی انتقادی

۴ آینده پروری مبتنی بر خردورزی انتقادی

۵ آینده گمانی مبتنی بر فراواقع گرایی انتقادی

۶ آینده نمایی مبتنی بر فراواقعیت موازی

مبنای معرفت شناسی و پارادایم موجود در سه عرصه ی دوم از ششگانه های موجود بر ساخته ی خود من است و بر اساس مبنای معرفت شناسی خاص مرتبط با سه سطح نخست که در فصل پنجم کتاب ونل بل آمده است؛ پردازش شده اند. در همه این ها به باور و استدلال های موجود در رساله زمان باید زمان و زمانه را امری مرتبط و پهاو پدیده ی هم و در همان حال متمایز دانست. من زمان را از نور و ثابت و امری «آمدی» می دانم. اگر چه «سَرمَدی» نیست؛ اما، آمدی و در پیوستار دائمی با آن پایا و همیشگی است. در همین حال، زمانه را در برخورد با غیرزمان امری غیرثابت، ناپایا و فناپذیر می خوانم.

بایسته است در اینجا به مفهوم "زمان" و انواع آن از نظرگاه برگسون نیز پروا روا داریم. «برگسون می گوید که یکی از اشتباهات بزرگ علمی این است که زمان را یک امر کمی به شمار می آورند، در حالی که یک امر کیفی است، یعنی فیلسوفان، دانشمندان و اکثر مردم زمان را یک کمیت می دانند. من با برگسون هم داستان و همراه هستم. بنابراین عقیده برگسون، دونوع زمان وجود دارد:

- نجومی

و

- مطلق

زمان نجومی - یا قراردادی - تقسیم شبانه روز به چندین ساعت و دقیقه و ثانیه بود؛ درواقع تصور کردن تقارن خورشید یا ماه با نقاط مختلف دنیا. برگسون این نوع زمان را "مقارنه" می نامد، که از دیدگاه او حقیقت نداشته و یک امر قراردادی است. همان گونه که در خطوط بیان شده به نقل از برگسون آمد، ما نیز زمان نجومی وی را زمانه می نامیم با این اختلاف که آنرا واقعیتی قراردادی می شماریم.

زمان مطلق - یا استمرار - آن زمانی است که به وسیله وجدان - آگاهی - ادراک می شود، و مثال خوبی را در این مورد می آورد. ... دیدگان خود را بر هم بگذارید و ذهنتان را از همه ی امور خالی کنید و به درون نفس و ضمیر خود رجوع نمایید. آنچه که در حال ادراک می کنید همانا حقیقت زمان است. در این لحظات، امورعالم به طرزی مستمر جریان دارد. در اینجا نیز زمان واقعیتی مطلق است که لاجرم نخستین آفرینش آفریدگار یا همان حقیقت مطلق است که از تصور آن در تصویر های گوناگون گریزی نیست»^۱.

در اینجا "زمان مطلق" مد نظر نیست. مقارنه برگسونی نیست. "زمانه ای است که بسیط شده

همان زمان مطلق است. یا در نهایت محصول به هم چسبندگی آن "ان" ها است. این زمان

مطلق و آن معنادار و قابل تعریف که به مکان زمین و در چگالی های گوناگون طبیعی از خاک تا

^۱ مطهرنیا، مهدی، (۱۳۹۹) رساله زمان، انتشارات فارابی

جان پاک آدمی که برمی خورد زمانه ی دیگری می پذیرد. از تمایز "پیشاریزین زمانه ای" می گذریم. آن اندازه ریز و زیرین است که به زیر میکروسکوپ هم نمی آید. حوصله ی شما را هم سر می برد. فقط به این بنگریم که هر موجودی در هر بستری و هر بستری در هر جغرافیایی و هر جغرافیایی در درون زمانه از شعور و آگاهی متمایزی در باب همه ی آن چه در پیرامون همگان قابل ردیابی است، برخوردار است.

اکنون پرسش این بخش آن است که آدم ایرانی با پروای این تعریف از زمانه در این متن؛ در چه زمانه ای قرار دارد؟. نمی خواهم به تاریخ پردیرینه این سرزمین بازگردم. این موضوع را باید به مورخین سپرد. من به دهه های گذشته نزدیک یا حال بسیط الیزه بولدینگ و آن هم بخشی از سده ی اخیر برای رفتن به سده آینده ایران و ایران آینده کار دارم.

در ارتباط با تاریخ نزدیک این سرزمین به عنوان جغرافیا، یا آرایش شکلی^۱ پنج دهه گذشته و به قرینه ی آن پنج دهه آینده اهمیت به سزایی دارد. این دهه را سال ها و بهتر بگویم از دو دهه پیش "کاپیولا" می دانم. کاپیولا یا مفصل در لغت به معنای «عضو رابط» و «وسیله ی ارتباط» است. مفصل به دلیل نمایان کردن بهتر خواص آماری بین داده ها در حوزه داده کاوی و ماشین لرنینگ در حال استفاده است و همچنین در حوزه مالی نیز از این ابزار استفاده می کنند.^۲

اما؛ منظور من از "مفصل بندی" در اینجا «دهه ای است که گذشته ایران و جهان را به آینده ی سده ی پیشاروی متصل می سازد. این "حال رابط یا مفصل زمانه" است». دهه ای که یک سده را به سده ی دیگر رهنمون می کند؛ یا هل می دهد. ما در یکی از مهم ترین مفصل بندی های زمانه در زمان، و در لایه های گوناگون مکانی قرار داریم.

^۱ آرایش شکلی و محتوایی و syntax را در نوآم چامسکی در انالیز متن به کار می برد.
^۲ copula، در پایتون کتاب خانه ای با همین نام و این سورس وجود دارد که برای مطالعه بیشتر میتوانید از این لینک استفاده کنید:

ما در گذشته زمانه ی اکنون در کمتر از پنج دهه پیش شاهد دگرگونی بزرگی بوده ایم که نام انقلاب اسلامی به خود پذیرفت و امروز به نام های گوناگونی بر حسب نگرش های متکثر ایرانیان به آن نام نهاده می شود.

این "دیگرگونی بزرگ" در زمانه ی گذشته رُخ داده است ولی هنوز پایان نیفتاده است. چرا دیگرگونگی؟ چون قرار بود این دگرگونی بزرگ ایرانی و آن چه در ایران به عنوان یک مکان معنادار با فرهنگ و تمدن بزرگ در آن وجود دارد؛ از امراض دیکتاتور منشانه و استبداد زده برهاند. مردم در آن ولی نعمت باشند. رعایا محسوب نشوند از خاک به افلاک برسند و ... اما امروز این پدیده ی تاریخی ایران معاصر، و معانی مستتر در آن، در کجای این معنا قرار دارند؟.

در ترجمه جلد چهارم رساله نوین آیت الله خمینی اصول و پایه های آن چه سیاست اسلامی خوانده می شود در گزاره های نه گانه ی زیر آمده است:

۱ از خودپرستی به خداپرستی

۲ از شرک به توحید

۳ انسان سازی و هدایت بیش تر به سوی کمال مطلق با تربیت و تعالیم الهی به عنوان رسالت پیامبران

۴ هدایت انسان ها به راه الهی در برابر راه طاغوت. راه نخست راه مستقیم الهی و مقصد آن بهشت است. دومی راه کفر و تفرقه و نهایت آن جهنم است.^۱

۵ ایمان به آخرت به عنوان گسترش بخش افق دید انسان ها از این جهان به جهان آخرت

۶ عدالت به عنوان ستون اساسی و اصلی سیاست الهی و رسالت حکام سیاست اسلامی و حاکمان دینی برای اقامه قسط همگانی به گونه ای که همگی به حق کامل خود برسند.

۷ امامت

۸ ولایت

اکنون می توان این پرسش را مطرح کرد که :

«در دهه ی پنجم از شکل گیری نظامی برساخته ی نظریه سیاست اسلامی با عنوان

"جمهوری اسلامی" در ایران؛ در کجای زمانه ی زیست تجربه شده ی این موارد نه گانه

قرار داریم؟».

در دهگانه های

۱ اجتماعی،

۲ فناوری،

۳ اقتصاد،

۴ زیست بوم،

۵ سیاست،

۶ ارزش – فرهنگ،

۷ رسانه،

۸ آرتش و نیروی انسانی،

۹ امنیت و

۱۰ حقوق؛

می توانیم به بررسی دستاوردهای بالغ بر چهل سال اخیر توجه کنیم و در نوتطبیق گرایی جدیدی

که در جهان امروز متوجه تطبیق هر کشور با گذشته ی خود و اکنونِ کشورهای رقیب و عقب بوده

^۱ معرفی کتاب

نویسنده در کتاب حاضر، با بررسی کامل تحریر الوسیله ی حضرت امام خمینی (ره)، به جمع آوری بخش های عملی یا «فروع دین» پرداخته و به ترجمه و نگارش آن موارد اقدام نموده است. مطالب این جلد که حاوی ترجمه و توضیح بخش هایی از «کتاب البیع» و «تحریر الوسیله» و سایر آثار امام خمینی است، شامل دو مقدمه و دو بخش است. ابتدا در مقدمه اول «تاریخچه سیاسی» و در مقدمه دوم گوشه ای از «فلسفه سیاسی اسلام» بیان می شود و آنگاه در بخش اول «مسائل سیاسی و کشورداری» و در بخش دوم «مسائل حقوقی اسلام» ارائه می گردد. آنچه در بخش اول از نظر می گذرانید بیانگر نحوه حکومت اسلامی است که مهم ترین امتیاز و ویژگی آن حکومت «قانون و مردم» است. مطهرنیا مهدی، (۱۳۸۱)، نشانه شناسی آسیب های انقلاب اسلامی، فصلنامه اندیشه انقلاب اسلامی، صص ۱۲۸ - ۱۴۱

از خود؛ در دهه های گذشته می پردازند؛ توجه کنیم. این معنا می تواند نشان دهد ما در حال زمان در کجا ایستاده ایم.

- از پیروزی تا پیروزی

در مقاله ی " مفهوم شناسی سند چشم انداز: شاخصه ها و الزامات فراروی انقلاب اسلامی " منتشره به سال ۱۳۸۴ چهار فصل پس از پیروزی انقلاب ها برای رسیدن به حقیقت پیروزی در پرتو حصول به واقعیت پیروزی را برای نخستین بار نگاشتم و بعد ها تحت عنوان "تئوری از پیروز تا پیروزی" مطرح نمودم. باور دارم انقلاب مردم ایران در دهه ۱۳۵۰ هنوز پایان پذیرفته است. این همه تحولات هنوز هم تحت اثر آن دوران در:

۱ پذیرش؛

۲ نفی و یا

۳ تلفیقی

از آن ها است. اکنون در زمانه ی چهارم یا فصل چهارم از این فصول قرار گرفته ایم . فصلی که می تواند به:

۱ انعکاس - اعتماد ۲

۲ انعکاس - اعتراض ۳

۳ انعکاس - انقلاب ۴

¹ <http://ensani.ir/file/download/article/20120326122852-1164-137.pdf>

² Reflection - trust

³ Reflection - protest

⁴ Reflection - revolution

اندک دقتی در این بافت موقعیتی^۱ با بافت موضوعی^۲ مد نظر ما می تواند به سادگی نشان دهد که در حال عبور از سطح دوم از سطوح سه گانه ی فصل چهارم به سطح سوم هستیم. اکنون جامعه ی بزرگ ایرانیان در لایه های گوناگون آن در وضعیت اعتراضی متمایل به حالت انقلابی است.

این به اندازه ای است که گاهی لایه هایی از هیأت حاکمه و مقامات ارشد نظام حاکم؛ در قامت صریح ترین منتقدان قرار می گیرند. هر چند این انتقاد ها متوجه بخش "کمتر هم سود" با آن ها در این نظام تعریف شده هستند.

در چنین وضعیتی با عنایت به نظریه بافتاربندی و «مکعب های فروریزش و فروپاشی رژیم ها»^۳ زمانه ی مهمی در حال رقم خوردن است.

من در بافتاربندی یا آن چه به تساهل می توان نظریه بافتاری یا بافت ها^۴ نامید به این مکعب ها اشاره کرده ام. در کنار سه گانه های عاملیت^۵ نخبه گرایان، سیستم ساختارگرایان و ساختاربندی گیدنز، و ریختار^۶ بُوردیو؛ بافتاربندی در لایه ای زیرین تر قرار می گیرد. بافت جامعه ایرانی کلام محورانه و صفر و یک نگر است. در این باب بارها نوشته و گفته ام و در بخش های قبل این متن نیز به آن اشاراتی رفته است.

بر اساس این بافت اکنون، در صحنه ی محیط داخلی محوریت "حجاب اجباری" و در صحنه ی محیط بیرونی "آمریکاستیزی" دچار بحران زدگی است و هردو در این دو محیط توان وضع موجود را به چالشی جدی کشیده اند. گذار از هر کدام از این دو؛ گفتمان حاکم را با "ترک خوردگی" شدید روبرو می سازد. ماندن در آن نیز با "بحران کارآمدی" در خود فرو می برد. سناریوی شدنی

¹ Context of Situation

² Co-text

³ Context's

⁴ Elite

⁵ Structuralisms

⁶ Habitus

و احتمالی در این باب "کیش و مات" است. هر چند در یک سناریو نمی توان یک موضوع را محدود کرد. اما، از منظر آینده پژوهی در ساحت آینده اندیشی این گونه به نظر می آید.

این ها در چهار وجه زیر معنایابی می شوند و در صورت نبود تناسب بیرونی و تشدید وضعیت های پیوستاری آن ها موجبات خطرات فراوان را فراهم می سازند. در کتاب بافتار بندی آورده ام که: «به این نحو، ریشه های بروز زمینه های فروریزش را باید در بافت و بافتار پی جست. واقعیت وجودی آن را در بی تعادلی ریختاری دنبال کرد. واقع امر اثر آن را باید در ساختارها دید و نقطه آغازین و پایانی آنرا از منظر عینی یا امر واقع باید در عاملیت ها و انحراف اقدام مناسب و متناسب با ریختار سالم در میدان را مد نظر قرار و پی یابی کرد.



محیط های پذیرش دگرگونی و ماندبودگی در مسیر بافتار بندی حیات اجتماعی –

سیاسی در مربع هستومندی حیات

در مکعب فروریزش، به شش وجه زیر اشاره شده است:

۱ بحران نخبگان

۲ بحران کارآمدی

۳ بحران اعتماد

۴ بحران اعتبار

۵ بحران رهایی از اکنون زدگی

۶ بحران عبور از اصلاحات

به نظر می رسد این مکعب در حال فعال شدن کامل است و متوجه عبور به مکعب فروپاشی است.

در این مکعب هم شش وجه زیر وجود دارد:

۱ اثر معکوس - ام -

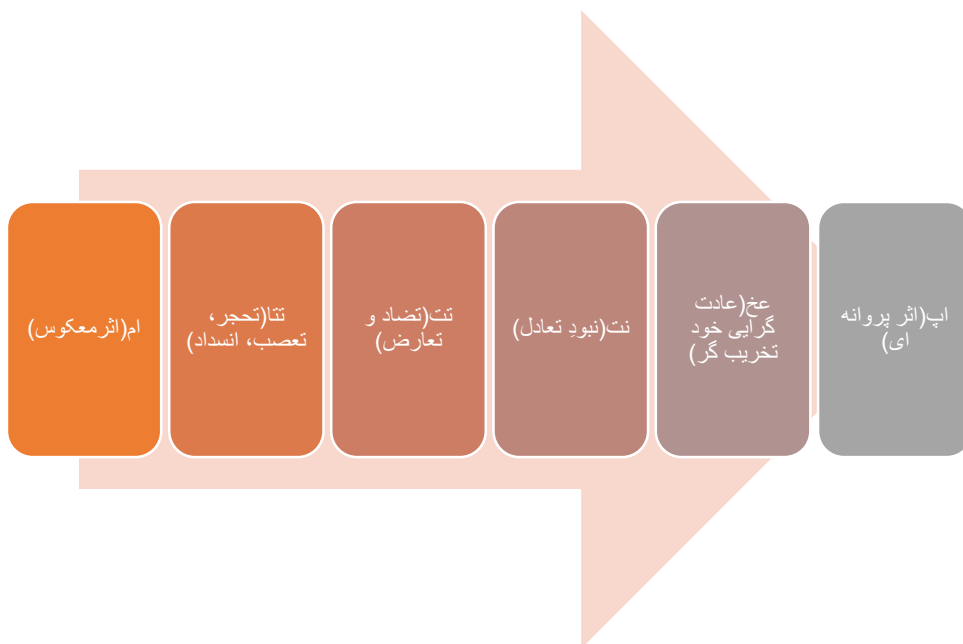
۲ تعصب ، تحجر و انسداد - تتا -

۳ تضاد و تعارض درونی - تت یا تتد -

۴ نبود تعادل - نت -

۵ عادت گرایی خود تخریب کننده - عخ یا عخت -

۶ اثر پروانه ای - اپ -



ابعاد شش گانه مکعب فروپاشی رژیم‌ها

پیش‌رانه ها ، روند ها و رویداد هایی که منجر به عبور از مکعب اول به دوم هستند در حال تزايد می باشند.

در صورت فعال شدن بیش تر و اثر معنادار و قابل اندازه گیری هر کدام از این وجوه تمایل به گذار از سطح دوم به سطح سوم فصل چهارم دیده خواهد شد و در صورت انجام سیاست های درست تحولی معطوف به تغییرات در تمامی سطوح چهار گانه ی فوق در مربع هستومندی حیات سیاسی و طراحی سناریوهای بدیل می توان راه را به سطح نخست بازدید. اما زمانه بسیار کم به نظر می رسد و گوشی برای شنیدن صداها نیست. به یاد صدایی که هرگز شنیده نشد ؛ افتادم.